



**مدیریت دارائی‌ها و بدهی‌ها در نظام
بانکی ایران**

محمد هادی مهدویان*

* مدیر کل اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

چکیده

وجود یک نظام بانکی غیرکارا در یک کشور (توسعه نیافته یا در حال توسعه) نه تنها باعث بی‌ثباتی مالی در کشور متبوع می‌گردد بلکه اثرات مخرب آن در سطح بین‌المللی نیز قابل مشاهده است. لذا دستیابی به معیارهای یک نظام بانکی قوی و کارآمد دغدغه اصلی اکثر موسسات بین‌المللی است که مسئولیت تنظیم مقررات بانکداری را برعهده دارند.

در سال‌های اخیر رهنمودها و معیارهایی برای ارزیابی کیفیت دارائی‌ها و بدهی‌های بانک‌ها ارائه گردیده و پیروی از این رهنمودها به بهبود وضعیت بانک‌ها و موسسات مالی منجر گردیده است. مدیریت دارایی‌ها عبارت است از مدیریت مؤثر ترازنامه یک موسسه مالی با هدف دستیابی به رشد مستمر در درآمد خالص و کنترل ریسک‌ها. بنابراین وظایف مدیر دارایی‌ها و مدیر ریسک چندان قابل تفکیک از یکدیگر نبوده و در اکثر بانک‌های بزرگ و پیچیده دنیا مدیر ریسک، وظایف مدیر دارایی‌ها را نیز برعهده دارد.

یک مدیر دارایی برای شناسایی و مقابله با انواع ریسک‌ها باید کنترل روزانه ترازنامه بانک را جزء وظایف خود قلمداد نموده و در صورت مشاهده تنزل در کیفیت اقلام دارایی‌ها و بدهی‌هایی که مستقیماً به بروز ریسک‌های مختلف منجر می‌شوند، اقدام ضروری را به عمل آورد.

در مقاله حاضر ابتدا تعاریف وظایف مدیریت دارایی‌ها ارائه شده و پس از آن محاسبه نسبت‌های ضروری مورد بررسی قرار می‌گیرند. تحلیل مراحل مختلف ورشکستگی بانکی بخش دیگری از مقاله را به خود اختصاص خواهد داد. در خاتمه مطالب فوق‌الذکر در نظام بانکی ایران بررسی خواهند شد.

واژه‌های کلیدی: دارایی‌ها، بدهی‌ها، نسبت‌های مالی، شفافیت، ورشکستگی.

۱- مقدمه

وجود یک نظام بانکی غیرکارا در یک کشور (توسعه نیافته یا در حال توسعه) نه تنها باعث بی ثباتی مالی در کشور متبوع می گردد، بلکه اثرات مخرب آن در سطح بین المللی نیز قابل مشاهده می باشد. لذا دستیابی به معیارهای یک نظام بانکی قوی و کارآمد دغدغه اصلی اکثر مؤسسات بین المللی است که مسئولیت تنظیم مقررات بانکداری را برعهده دارند.

در سال های اخیر رهنمودها و معیارهایی برای ارزیابی کیفیت دارایی ها و بدهی های بانک ها ارائه گردیده و پیروی از این رهنمودها به بهبود وضعیت بانک ها و مؤسسات مالی منجر گردیده است. مدیریت دارایی ها عبارت است از مدیریت موثر ترازنامه یک مؤسسه مالی با هدف دستیابی به رشد مستمر در درآمد خالص و کنترل ریسک ها. بنابراین وظایف مدیر دارایی ها و مدیر ریسک چندان قابل تفکیک از یکدیگر نبوده و در اکثر بانک های بزرگ و پیچیده دنیا مدیر ریسک، وظایف مدیر دارایی ها را نیز برعهده دارد.

یک مدیر دارایی برای شناسایی و مقابله با انواع ریسک ها باید کنترل روزانه ترازنامه بانک را جزء وظایف خود قلمداد نموده و در صورت مشاهده تنزل در کیفیت ارقام دارایی ها و بدهی هایی که مستقیماً به بروز ریسک های مختلف منجر می شوند، اقدام ضروری را به عمل آورد. در این رابطه محاسبه یک سری نسبت ها مدیر دارایی ها را قادر می سازد که تا قبل از وقوع زیان یا ریسک های مختلف در مورد رفع مشکلات چاره اندیشی نماید. این نسبت ها به سه گروه تقسیم می شوند: الف- نسبت های کیفیت دارایی ها، ب- نسبت های عملکرد و ج- نسبت های ترازنامه. محاسبه این نسبت ها انجام مراحل ذیل را برای مدیر دارایی ها امکان پذیر می نماید:

- کنترل کیفیت پرتفو و تعریف و شناسایی ریسک اعتباری

- تخمین میزان ذخیره ها و تخصیص سرمایه

- ارزیابی کفایت نقدینگی بانک

اقلام دارایی‌ها در ترازنامه هر بانک به صورت متنوع می‌باشند، لیکن در میان آن‌ها بررسی مطالبات معوق و سررسید گذشته از اهمیت خاصی برخوردار است. مدیر دارایی‌ها باید با توجه به تاریخ و زمان سررسید این گروه از دارایی‌ها، آن‌ها را طبقه‌بندی نموده و با توجه به اعتبار مشتریان، بازگشت این منابع به بانک را دنبال نماید.

از دیگر وظایف مدیر دارایی‌ها توجه به معیارهایی است که کیفیت عملیات بانک را بهبود می‌بخشند. این معیارها در مجموعه‌ای تحت عنوان TRICK جمع‌آوری گردیده و از اجزاء ذیل تشکیل می‌شوند: شفافیت، در معرض ریسک قرار گرفتن، کیفیت اطلاعات، رقابت و کفایت سرمایه.

یکی از وظایف مهم مدیر دارایی‌ها بررسی مسائلی است که بانک را از خطر ورشکستگی مصون نگاه می‌دارد. ضرورت ایجاد یک چارچوب جهت مقابله با خطر ورشکستگی، برخی از سازمان‌های بین‌المللی را برآن داشت تا نسبت به طراحی چارچوب موردنظر اقدام نمایند. در مقاله حاضر ابتدا تعاریف وظایف مدیریت دارایی‌ها ارائه شده و پس از آن محاسبه نسبت‌های ضروری مورد بررسی قرار می‌گیرند. تحلیل مراحل مختلف ورشکستگی بانکی بخش دیگری از مقاله را به خود اختصاص خواهد داد. درخاتمه مطالب فوق‌الذکر در نظام بانکی ایران بررسی خواهند شد.

۲- وظایف اصلی در مدیریت دارایی‌ها

۲-۱- ارزیابی کیفیت دارایی‌های بانک

کیفیت دارایی‌های بانک باید ارزیابی شده و نتایج حاصله به اطلاع هیأت مدیره بانک برسد، تا تصمیم‌گیری‌های مربوط به میزان ذخیره‌گیری یا تخصیص سرمایه لازم به درستی صورت پذیرد. از سوی دیگر ارزیابی یکایک دارایی‌های بانک از وقوع بسیاری از ریسک‌ها جلوگیری می‌نماید. چنان‌چه سیستم‌های اطلاع‌رسانی و ارزیابی دارایی‌ها ضعیف باشد، بانک با

خطر "کژ منشی"^۱ و "کژ گزینی"^۲ مواجه می‌شود. در برخی از بانک‌ها هزینه‌های کنترل بسیار بالا می‌باشد و این مشکل در بانک‌های کوچک بروز می‌نماید در حالی که بانک‌های بزرگ با سیستم‌های کنترل داخلی خود از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری می‌نمایند. عدم وجود سیستم کنترل داخلی باعث می‌شود تا مسئولین بانک در انتخاب طرح‌های متقاضی تسهیلات اشتباه نموده و منابع بانک را به طرح‌هایی اختصاص دهند که از سودآوری پایین برخوردارند یا زیان‌ده هستند.

گذشته از مشکل "انتخاب غلط"، نبود سیستم‌های کنترل پیشرفته، بانک‌ها را با پدیده "کژ منشی" نیز مواجه می‌نمایند. به عبارت دیگر هر بانک باید از صحت و سقم اطلاعات دریافتی از سوی گیرنده تسهیلات مطمئن باشد؛ زیرا برخی از وام‌گیرندگان هنگام بازپرداخت اصل و سود وام به بانک، از ارائه صورت‌های مالی شفاف خودداری می‌نمایند تا به این ترتیب طرح مربوطه را ورشکسته یا زیان‌ده جلوه داده و به تعهد خود در قبال بانک عمل ننمایند. وقوع هر دو مشکل فوق‌الذکر میزان مطالبات معوق و سررسید گذشته بانک را افزایش می‌دهد. بنابراین مدیر دارایی‌ها باید به تقویت سیستم‌های کنترل داخلی نیز اهتمام ورزیده، قابلیت‌های اعتباری مشتریان خود را طبقه‌بندی نماید.

۲-۲- افزایش اندازه بانک

افزایش اندازه بانک باعث بهبود وضعیت درآمدها و سوددهی بانک می‌شود. کوچک بودن اندازه بانک به گسترش ریسک‌ها نیز منجر می‌گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بانک‌های بزرگ از نظر اقتصادی کاراتر می‌باشند. اندازه هر بانک برابر است با ارزش کل دارایی‌ها. در بانک‌های کوچک، نسبت بازده دارایی‌ها (ROA)^۳ و نسبت سرمایه به دارایی‌ها^۴ بالاتر از یک بانک بزرگ است. در مقابل نسبت بازده سرمایه^۵ (ROE) در یک بانک کوچک، کوچک‌تر از

^۱ moral hazard

^۲ adverse selection.

^۳ return on assets.

^۴ capital – asset ratio.

^۵ return on equity.

نسبت مذکور در یک بانک بزرگ است. از این رو اندازه‌های مختلف بانک‌ها، سیاست‌های مختلفی را هم به شرح ذیل طلب می‌نماید:

اول این‌که، بانک‌های کوچک با ریسک‌های بالا مواجه‌اند، لذا ROA بالاتری دارند. این بانک‌ها باید درصد بالایی از سرمایه به دارائی^۱ را نگهداری نمایند.

دوم این‌که، پرتفوی بانک‌های کوچک از تنوع کمتری برخوردار است، لذا این بانک‌ها باید در تقویت نسبت کفایت سرمایه خود کوشا باشند.

بانک‌های بزرگ از مزیت صرفه‌جویی در مقیاس^۲ برخوردارند و می‌توانند نسبت به کاهش هزینه‌های جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات اقدام نمایند. این گروه از بانک‌ها از تنوع بخشی در پرتفوی نیز می‌توانند بهره‌مند شوند، بنابراین از توانایی تجهیز وجوه بیشتری برخوردارند. این امر نهایتاً به افزایش منافع سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران بانک منجر خواهد شد.

۲-۳- شناسایی عوامل مؤثر بر فعالیت‌های بانک

ایجاد تنوع در پایه درآمدی بانک^۳ می‌تواند روی فعالیت‌های آتی تأثیرگذار باشد. آشنایی مدیریت با بازارهای مختلف و شناسایی و جذب مشتریان بالقوه گام مهمی در این زمینه به حساب می‌آید.

۲-۴- تعیین اهداف مالی

اولین هدف یک بانک (سودآوری) باید با سایر اهداف مالی مانند رشد درآمدی و افزایش کیفیت دارایی‌ها هماهنگ باشد. در این رابطه ایجاد افزایش نسبت کفایت سرمایه و بازده سالانه سرمایه مورد تأکید قرار می‌گیرند. برای دستیابی به این اهداف توجه به معیارهای ذیل ضروری است:

¹ higher percentage of equity to assets.

² economies of scale.

³ bank's revenue base.

ثبات سیاسی

بی‌ثباتی سیاسی در هریک از مناطق مربوط به فعالیت شعب بانک، می‌تواند اثری معکوس روی درآمدهای بالقوه آن بر جای گذارد.

ارزش پول‌های خارجی

شعب و دفاتر نمایندگی بانک در کشورهای مختلف، با ارزش‌های مختلفی سروکار دارد، بنابراین بانک با نوسانات متعددی در پول رایج این کشورها روبرو می‌شود. در اینصورت ایجاد پوشش لازم برای جلوگیری از اثر نوسانات ارزی روی فعالیت‌های بانک ضروری می‌نماید.

نوسان بازارهای ارزی

درجه نوسانات در نرخ‌های ارز روی میزان سودآوری معاملات ارزی بانک تأثیر می‌گذارد. مدیریت بانک باید این نوسانات را بدقت دنبال نموده و در زمان مناسب نسبت به سرمایه‌گذاری در بازارهای مختلف اقدام نماید.

۲-۵- مدیریت نقدینگی

یکی از وظایف مهم مدیران دارایی‌ها، کنترل نقدینگی بانک است. بانک‌ها در اغلب مواقع با تقاضاهای غیرقابل پیش‌بینی برای وجوه نقد مواجه می‌باشند، لذا حصول اطمینان از کفایت نقدینگی بانک باید به صورت روزانه صورت پذیرد. بانک‌های مرکزی باید سیاست‌ها و سیستم‌های کنترلی بانک‌ها در مورد کفایت نقدینگی در شعب داخل و خارج را بررسی نمایند. در این بررسی تمایزهای ذیل مدنظر بانک‌های مرکزی قرار می‌گیرد:

- اندازه و ماهیت فعالیت‌های بانک
- جایگاه بانک در بازارها؛ توانایی بانک در جذب وجوه، مخصوصاً وجوه عمده و برقراری ارتباط با بازارهای مختلف می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد.
- تنوع بخشی در ارقام بدهی‌ها؛ چنانچه ارقام بدهی‌های یک بانک متنوع باشد، وقوع تغییرات در ترکیب سپرده‌ها باعث بی‌ثباتی بانک نمی‌شود.

- کیفیت و ترکیب دارایی‌ها؛ چنان‌چه کیفیت دارایی‌های یک بانک در حد بالایی باشد، قابلیت ایجاد وجوه نقد نیز افزایش می‌یابد.
- فعالیت‌ها در زمینه ارزهای مختلف
- کیفیت سیاست‌های بانک برای کنترل نقدینگی.

۲-۶- محاسبه نسبت‌های ضروری

مدیر دارایی‌ها می‌تواند از نسبت‌های مختلفی برای کنترل کیفیت دارایی‌ها استفاده نموده و روند آن‌ها را در طی دوره‌های زمانی معین دنبال نماید. این نسبت‌ها به شرح ذیل می‌باشند:

نسبت‌های کیفیت دارایی‌ها

- نسبت مطالبات معوق و سررسید گذشته به کل مطالبات
 - نسبت مطالعات معوق و سررسید گذشته به کل دارایی‌ها
- بررسی این نسبت‌ها در طی یک دوره زمانی نشان می‌دهد که کیفیت دارایی‌های یک بانک در چه سطحی قرار دارد، به عبارت دیگر افزایش این نسبت می‌تواند یک هشدار برای وخیم تر شدن وضعیت ریسک اعتباری محسوب شود. افزایش میزان مطالبات معوق و سررسید گذشته که در واقع جزء دارائی‌های بد به شمار می‌آیند، کیفیت دارائی‌های بانک را تنزل می‌دهد.

نسبت‌های عملکرد

نسبت بازده دارائی‌ها (ROA)

این نسبت عبارت است از خالص درآمد بانک تقسیم بر متوسط کل دارائی‌ها. نسبت مذکور برای ارزیابی مدیریت بانک نیز بکار می‌رود؛ زیرا نمایان‌گر توانایی بانک در ایجاد درآمد می‌باشد. چنان‌چه این نسبت در حالت نوسان‌پذیری سریع باشد، باید علت آن جستجو شود. نسبت استاندارد برای ROA برابر یک درصد می‌باشد.

$100 \times (\text{متوسط کل دارائی‌ها} / \text{درآمد پس از کسر مالیات}) = \text{نسبت بازده دارائی‌ها}$

نسبت بازده سرمایه (ROE)

این نسبت نمایان گر بازده سرمایه بوده و عبارت است از:

$$ROE = 100 \times (\text{متوسط کل سرمایه} / \text{درآمد خالص پس از کسر مالیات})$$

چنانچه این نسبت روندی افزایشی را طی نماید نمایان گر بالا بودن کارایی عملیات است و می تواند بازدهی بالایی را برای حقوق صاحبان سهام ایجاد نماید. نسبت استاندارد برای ROE برابر ۱۵ درصد می باشد.

نسبت های ترازنامه

نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده ها

بر اساس استانداردهای بین المللی، نسبت مساوی ۷۰ الی ۸۰ درصد نمایان گر وضعیت مطلوب است. چنانچه حاصل این نسبت بالاتر از حد فوق الذکر باشد، دلیلی بر افزایش بی رویه تسهیلات اعطایی یا کاهش سپرده های بانک است. حاصل پایین تر از حد استاندارد نیز نشان گر عدم تمایل مدیریت بانک در اعطای تسهیلات به مشتریان بوده یا اینکه منابع در طرح های مطمئن تری مانند اوراق بهادار سرمایه گذاری شده است.

نسبت نقدینگی

این نسبت عبارت است از دارائی های نقد تقسیم بر بدهی های کوتاه مدت. حداقل معیار بین المللی برای نسبت مذکور برابر ۱/۳۰ درصد تعیین شده است.

دارائی های نقدی ترازنامه و میزان استفاده هر یک در محاسبه نسبت به شرح ذیل

می باشد:

- وجه نقد در صندوق بانک معادل ۱۰۰ درصد
- سپرده نزد بانک مرکزی و سایر بانک ها معادل ۱۰۰ درصد
- اسناد خزانه معادل ۸۰ درصد
- وام هایی اعطایی به سایر بانک ها معادل ۵۰ درصد
- وام های اعطایی کوتاه مدت معادل ۵۰ درصد
- اوراق بهادار معادل ۵۰ درصد

- سایر وصولی‌ها معادل ۱۰۰ درصد

بدهی‌های کوتاه‌مدت ترازنامه و میزان استفاده هر یک در محاسبه نسبت نقدینگی

به شرح ذیل است:

- مطالبات بانک مرکزی و سایر بانک‌ها معادل ۱۰۰ درصد

- وام‌های دریافتی از سایر بانک‌ها معادل ۵۰ درصد

- حساب‌های جاری معادل ۲۵ درصد

- سپرده‌های مدت دار معادل ۱۰ درصد

- سایر پرداختی‌ها معادل ۱۰۰ درصد

جهت ارزیابی نقدینگی یک بانک، سررسید دارائی‌ها و بدهی‌ها نیز باید مدنظر قرار

گیرند. امروزه تجزیه و تحلیل سررسیدها یک امر ضروری در مدیریت دارائی‌ها و بدهی‌ها محسوب می‌شود و اقلام مذکور نه تنها باید براساس مدت زمان باقیمانده تا سررسید تقسیم بندی شوند بلکه میان سررسیدهای اقلام دارائی‌ها و بدهی‌ها نیز باید هماهنگی و همخوانی وجود داشته باشد تا به این ترتیب امکان محاسبه ریسک نقدینگی نیز فراهم گردد.^۱ برای دستیابی به ایجاد هماهنگی میان سررسید دارائی‌ها و بدهی‌ها، وجود تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تر اقلام مالی ضروری است. برای مثال، تسهیلات اعطایی باید در سه گروه کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت در صورت‌های مالی منعکس گردد تا امکان مقایسه با قسمت دارائی‌های نقدی فراهم شود. در این رابطه نقد در صندوق بانک دارائی آنی تلقی می‌گردد و با سرفصل تسهیلات کوتاه مدت از نظر سررسید مقایسه می‌شود.

برای محاسبه نسبت نقدینگی، روش ساده‌تری نیز وجود دارد که به ترتیب ذیل

می‌باشد:

$$۱۰۰ \times (\text{بدهی‌های جاری} / (\text{بدهی‌های جاری} - \text{دارائی‌های جاری})) = \text{نسبت نقدینگی}$$

^۱ محاسبه ریسک نقدینگی در بانک‌های ایران به دلیل عدم وجود هماهنگی میان سررسید دارائی‌ها و بدهی‌ها و همچنین عدم دسترسی به جزییات سررسید تسهیلات امکان پذیر نیست.

استفاده از این نسبت در یک نظام بانکی پیشرفته و پیچیده چندان کارایی ندارد زیرا یک بانک پیچیده می‌تواند با جابجایی اقالام، وضعیت نقدینگی را در حد مطلوبی نشان دهد. به همین دلیل است که استفاده از معیارهای شفافیت و پاسخگویی در مدیریت ریسک و مدیریت ترازنامه مورد تاکید قرار می‌گیرد.

نسبت کفایت سرمایه^۱

این نسبت عبارت است از سرمایه تقسیم بر دارائی‌های مبتنی بر ریسک و این نسبت نباید کمتر از ۸ درصد باشد.^۲

سرمایه رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که به بانک اجازه می‌دهد هنگام رویارویی با مشکلات کلان اقتصادی توانایی بازپرداخت بدهی خود را داشته باشد. نسبت کفایت سرمایه برای اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته بازل سوئیس معرفی گردید.

نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات اعطایی

به کمک این نسبت، وضعیت پرتفوی اعتبارات بانک و میزان مطالبات معوق و سررسید گذشته مشخص می‌شود. مقام‌های نظارتی باید ضوابط مشخصی برای تعیین میزان ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به بانک‌ها ارائه داده و نیز اجرای آن را پی‌گیری نمایند. برای این نسبت، استاندارد جهانی خاصی وجود ندارد و می‌تواند براساس پیچیدگی فعالیت‌های بانکی از سوی مقامات نظارتی تغییر نماید.

نسبت کارایی

این نسبت از تقسیم هزینه‌های عملیاتی به درآمد ناخالص عملیاتی بدست می‌آید و نمایان‌گر آن است که چه میزان از درآمد ناخالص بانک، صرف هزینه‌های عملیاتی می‌شود.

$100 \times (\text{درآمد ناخالص عملیاتی} / \text{هزینه‌های عملیاتی}) = \text{نسبت کارایی}$

حد استاندارد جهانی برای این نسبت برابر ۵۰ درصد می‌باشد.

^۱ نحوه محاسبه نسبت کفایت سرمایه بانکها در مقالات مطرح شده در سمینارهای بانکداری اسلامی ارائه گردیده است.

^۲ به موجب مصوبه اخیر شورای پول و اعتبار، حداقل نسبت کفایت سرمایه برای کلیه بانکها و مؤسسات اعتباری (اعم از دولتی و غیردولتی) ۸ درصد تعیین شده است.

نسبت بهره‌وری کارکنان

این نسبت عبارت است از:

$100 \times (\text{درآمد ناخالص بانک} / \text{هزینه‌های پرسنلی}) = \text{نسبت بهره‌وری کارکنان}$

نسبت مذکور نشان می‌دهد که چه میزان از درآمدهای ناخالص بانک صرف هزینه‌های پرسنلی می‌شود. حد استاندارد جهانی برای این نسبت در بانک‌های کارآمد برابر ۳۰ درصد است.

۲-۶- تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی در بانکداری بدون ربا

در نظام بانکداری بدون ربا اعطای تسهیلات به مشتریان در قالب عقود و معاملات مختلف صورت پذیرفته و جایگزین وام‌های ربوی می‌شود. در حساب سود و زیان، سرفصل "سود دریافتی بابت معاملات و عقود اسلامی" به جای "درآمدهای بهره‌ای" در صورت‌های مالی ثبت می‌شود. "سود پرداختی به سپرده‌گذاران" نیز جایگزین "هزینه‌های بهره‌ای" می‌شود. در این رابطه سرفصل "درآمد خالص مابه‌التفاوت سود دریافتی و پرداختی" به جای سرفصل "درآمد خالص مابه‌التفاوت بهره" مورد استفاده قرار می‌گیرد.

گذشته از تغییر سرفصل‌ها و نحوه محاسبه آن‌ها، منابع و مصارف و به تبع آن، رابطه حقوقی بین بانک و مشتری با شیوه بانکداری متعارف متفاوت بوده و رابطه وکیل و موکل جایگزین رابطه داین و مدیون می‌شود.

۲-۷- توجه به شاخص‌های سلامت مالی بانک‌ها

شاخص‌های ارزیابی سلامت مالی بانک‌ها به دو گروه خرد و کلان تقسیم می‌شوند:

شاخص‌های خرد

این شاخص‌ها جهت بررسی سلامت مالی بانک‌ها (به صورت انفرادی) به کار می‌روند و عمده‌ترین آن‌ها مجموعه کامل می‌باشد. یکی از ابزارهای مهم بانک‌های مرکزی، استفاده از سیستم رتبه‌بندی کامل است. رتبه‌بندی کامل نمایان‌گر کیفیت شرایط مالی، تصویری از وضعیت ریسک‌ها و عملکرد کلی بانک است. این رتبه‌بندی ۶ ناحیه را مد نظر قرار می‌دهد:

سرمایه^۱، کیفیت دارائی^۲، شایستگی مدیریت^۳، درآمد^۴، ریسک نقدینگی^۵، حساسیت ریسک بازار^۶.

به هر یک از این معیارها رتبه‌ای تعلق گرفته و در نهایت مجموعه این رتبه‌ها درجه نهایی بانک بازرسی شده را تشکیل می‌دهد. رتبه نهایی از ۱ الی ۵ می‌باشند. رتبه یک بالاترین رتبه (قویترین عملکرد) و رتبه پنج پایین‌ترین رتبه (ضعیف ترین عملکرد) است. در مجموع بانک‌های با رتبه‌های یک یا دو از لحاظ سلامت و ثبات در سطح بالا قرار داشته و در مقابل بانک‌های با رتبه سه و چهار و پنج از عملکرد رضایت بخشی برخوردار نیستند.

نتیجه رتبه بندی بانک‌ها و مؤسسات مالی آمریکا به صورت فصلی برای ۱۲ بانک فدرال رزرو ارسال می‌شود. انجمن ایالتی بیمه سپرده‌ها^۷ و دفتر کنترل پولی^۸ نیز برای انجام نظارت غیرمستقیم روی بانک‌ها و مؤسسات مالی از مدل‌های اقتصادسنجی استفاده می‌نمایند.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بانک‌های دارای رتبه‌های سه، چهار و پنج بیشتر از سایرین در معرض خطر ورشکستگی قرار دارند. برای مثال کری^۹ دریافت که ۷۴ درصد از بانک‌هایی که از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴ ورشکست شده‌اند دو سال قبل از ورشکستگی رتبه سه، چهار یا پنج آزمایش کامل شامل حال آن‌ها شده بود. نتایج فوق سبب گردیدند تا ناظرین بانک‌ها به محض مشاهده نتایج ضعیف در آزمایش کامل هر بانک، میزان نظارت خود بر بانک‌های موردنظر را افزایش دهند.

¹ capital protection

² asset quality

³ management competence

⁴ earnings strength

⁵ liquidity risk exposure

⁶ market risk sensitivity

⁷ FDIC

⁸ OCC

⁹ Cury, 1995

شاخص‌های کلان

فعالیت یک سیستم مالی بر مجموعه فعالیت‌های اقتصادی وابسته بوده و مؤسسات مالی به میزانی قابل توجه از متغیرهای کلان اقتصاد تأثیر می‌پذیرند، بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد هنگام ارزیابی ثبات یک سیستم مالی باید تصویر کلان اقتصاد مخصوصاً متغیرهایی که از ورود و خروج سرمایه و بحران پولی تحت تأثیر قرار می‌گیرند، مدنظر قرارگیرد. این متغیرها عبارتند از: رشد اقتصادی، تراز پرداخت‌ها، تورم، نرخ‌های بهره و ارز.

رشد اقتصادی

کاهش نرخ رشد اقتصادی باعث می‌شود تا قدرت بازپرداخت بدهی‌ها کاهش یافته و ریسک اعتباری افزایش یابد. از سوی دیگر وقوع رکود در بخش‌های اقتصادی نیز به افزایش مطالبات معوق بانک‌ها منجر شده و نه تنها کیفیت پرتفوی را کاهش می‌دهد بلکه روی حاشیه سود بانک‌ها و مؤسسات مالی اثر می‌گذارد.

تراز پرداخت‌ها

- رابطه مبادله

تجربه‌ها نشان می‌دهد که اختلال در رابطه مبادله یک کشور باعث ایجاد مشکل برای نظام بانکی می‌گردد. کشورهای کوچکی که به رقم صادرات بالا متکی می‌باشند، در برابر بحران‌های بانکی ناشی از اختلال در رابطه مبادله بسیار آسیب‌پذیر هستند. از سوی دیگر بهبود ناگهانی در رابطه مبادله به افزایش ناگهانی و بی رویه تورم و قیمت دارائی‌ها منجر شده و سیستم مالی را با مشکل مواجه می‌نماید.

- ترکیب و سررسید جریان سرمایه

چنانچه حساب جاری تراز پرداخت‌ها با کسری مواجه باشد، راه‌های مختلف تأمین این کسری اثرات متفاوتی روی نظام بانکی کشور برجای می‌گذارد. این راه‌ها عبارتند از:

- ذخایر داخلی در برابر سرمایه‌گذاری خارجی

- وجوه بخش عمومی در برابر وجوه بخش خصوصی

- بانک‌های توسعه‌ای در برابر بانک‌های تجاری

استفاده از هر یک از منابع فوق‌الذکر درجه آسیب‌پذیری نظام مالی را نشان می‌دهد.

تورم

وجود نوسان در نرخ‌های تورم، ریسک‌های بازار و اعتباری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افزایش نرخ تورم باعث افزایش ریسک پرتفوی شده و پایه اطلاعاتی بانک را در مورد برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات مختل می‌کند. از سوی دیگر کاهش نرخ تورم روی نقدینگی و توانایی بانک در ایفای تعهدات تأثیر مثبت می‌گذارد. در برخی از موارد بانک‌ها می‌توانند در نرخ تورم بالا از طریق مدیریت صحیح دارائی‌ها سود سرشاری را به‌دست آورند و در این هنگام یک کاهش سریع در نرخ تورم ممکن است یکسری از فعالیت‌های متعارف آن‌ها را با خطر مواجه نماید. تجربه‌ها نشان داده است در یک نرخ تورم بالا، درآمد بانک از محل شناوری در پرداخت‌ها^۱ و معاملات ارزی افزایش میابد.

نرخ‌های بهره و ارزش

وقوع نوسان در این نرخ‌ها، باعث افزایش ریسک بازار در بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌شود. افزایش نوسان در نرخ‌های ارزش عدم تعادل میان گردش وجوه دارائی‌ها و بدهی‌ها^۲ را افزایش می‌دهد. تجربه نشان می‌دهد افزایش در نرخ‌های بهره جهانی باعث بروز بی‌ثباتی در بازارهای نوظهور (و سیستم‌های مالی آن‌ها) گردیده است. این نکته از ۳ طریق صورت پذیرفته است:

اول: از طریق خروج سرمایه

دوم: از طریق کاهش وضعیت اعتباری وام‌گیرندگان از بازار نوظهور

سوم: از طریق ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی که منجر به وقوع پدیده "گز گزینی"^۳

می‌شود.

۸-۲- اعمال مدیریت استراتژیک در قالب مجموعه TRICK

^۱ float on payments

^۲ currency mismatches between bank assets and liabilities

^۳ adverse selection

از دیگر وظایف مدیر دارائی‌ها توجه به معیارهایی است که کیفیت عملیات بانک را بهبود می‌بخشند. این معیارها در مجموعه‌ای تحت‌عنوان TRICK جمع‌آوری گردیده و از اجزاء ذیل تشکیل می‌شوند:

شفافیت، در معرض ریسک قرار گرفتن، کیفیت اطلاعات، رقابت کفایت سرمایه.

شفافیت

وجود یک نظام بانکی غیرکارا در یک کشور (توسعه‌یافته یا در حال توسعه) نه تنها باعث بی‌ثباتی مالی در کشور متبوع می‌گردد، بلکه اثرات مخرب آن در سطح بین‌المللی نیز قابل مشاهده می‌باشد. لذا دستیابی به معیارهای یک نظام بانکی قوی و کارآمد دغدغه اصلی اکثر مؤسسات بین‌المللی است که مسئولیت تنظیم مقررات بانکی بین‌المللی را به عهده دارند. کمیته نظارت بانکی مستقر در بانک تسویه بین‌المللی (کمیته بال) در ژوئن سال ۱۹۹۶ اصول مؤثر در نظارت بانکداری^۱ (مشمول بر ۲۵ اصل) را منتشر نمود. در اصل ۲۱ چنین آمده است: "بانک‌ها موظفند نسبت به انتشار و افشاء اطلاعات مربوط به فعالیت‌ها و موقعیت مالی خود اقدام نمایند. اطلاعات مذکور باید به‌هنگام و جامع باشد تا افکار عمومی قادر به ارزیابی فعالیت‌های بانک موردنظر خود باشند".

پس از انتشار معیارهای کمیته بال در زمینه شفافیت فعالیت‌های بانکی، صندوق بین‌المللی پول نیز در سپتامبر ۱۹۹۹، معیارهای شفافیت در اجرای سیاست‌های پولی و مالی^۲ را منتشر نمود. تأکید اصلی این مقررات روی ایجاد ثبات در نظام پولی و مالی بین‌المللی معطوف بوده و یکی از اهداف اصلی آن گسترش میزان مسئولیت و پاسخگویی بانک‌ها و مؤسسات مالی در برابر افکار عمومی جامعه است.

تجزیه و تحلیل عملکرد بانک‌ها نه تنها از دید اقتصادی بلکه از نظر جلب اعتماد عمومی نیز بسیار مهم تلقی می‌شود، بنابراین فرآیند مدیریت دارائیهای یک بانک نه فقط باید افشای

^۱ core principles for effective banking supervision.

^۲ code of good practices on transparency in monetary and financial policies (Mfpt code).

اطلاعات به صورت گزارش های تحلیلی در عملکرد سالانه را در برگیرد، بلکه باید با ارائه آمارهای روزانه نیز همراه گردد. انتشار آمار و اطلاعات بانک باعث بهبود کیفیت مدیریت بانک نیز می شود؛ زیرا با گسترش اطلاعات، مدیران بانک با کارایی بیشتری انجام وظیفه می نمایند و سرمایه گذاران و سپرده گذاران با آگاهی بیشتری به ارزیابی بانک مورد نظر خویش می پردازند. اطلاعات مورد نظر باید به صورت به هنگام و روزانه روی سایت بانک منتشر شود.

در معرض ریسک قرار گرفتن

یکی از اهداف مدیر دارائی ها، ایجاد تعادل بهینه میان ریسک و بازدهی است. این تعادل یا از طریق به حداکثر رساندن بازده برای یک سطح از ریسک تعیین شده یا از طریق به حداقل رساندن ریسک مورد نیاز برای یک سطح مطلوب از بازده حاصل می شود. در صنعت بانکداری، هدف اولیه مدیریت نباید دوری کردن از ریسک هایی باشد که در ذات فعالیت های بانکی نهفته هستند؛ زیرا مدیریت صحیح این قبیل ریسک ها می تواند به کسب درآمد قابل توجه برای بانک منجر شود. علاوه بر ریسک های نهفته در فعالیت های بانکی، مدیر ریسک باید به جستجوی ریسک های جدید پرداخته و سیستم مدیریت خویش را براساس آن بهینه نماید. امر بهینه سازی باید به وسیله شناسایی، اندازه گیری، نظارت و کنترل این ریسک های جدید صورت پذیرد. این بهینه سازی به افزایش منافع سهام داران نیز منجر خواهد شد.

کیفیت اطلاعات

مدیریت دارائی ها باید ضمن برخورداری از اطلاعات صحیح و به هنگام، سپرده گذاران و سرمایه گذاران بانک را نیز در مورد شرایط سرمایه گذاری یا پرتفوی بانک مطلع نماید؛ زیرا وجود اطلاعات نامتقارن از یک سو بانک را با خطر "کژ گزینی" در امر اعطای تسهیلات مواجه می نماید و از سوی دیگر دست سرمایه گذاران را در انجام "کژ منشی" باز می گذارد.

رقابت

در دنیای امروز رقابت نقش تعیین کننده ای را در پیشبرد اهداف بانک ایفا می نماید. مدیر دارائی ها با انتخاب بازارها و روش های مناسب سرمایه گذاری، از رقابت های موجود استفاده نموده و به حداکثر بازدهی نایل می گردد.

کفایت سرمایه

نسبت کفایت سرمایه معیار مهمی در زمینه استحکام و ثبات مالی بانک به شمار می‌آید و با انجام مدیریت صحیح دارائی‌ها و بدهی‌ها این نسبت می‌تواند به حداقل نسبت کمیته بال سوئیس نزدیک شود.

۳- مدیریت دارائی‌ها و بدهی‌ها در نظام بانکی ایران

اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته از یک بازار پولی کارآمد و پویا برای تجهیز و تخصیص بهینه منابع و خصوصاً ارائه خدمات مورد نیاز جهت دستیابی به رشد پایدار غیرتورمی و نیل به ثبات مالی و تأمین نیازهای سایر بخش‌ها و به‌ویژه بخش واقعی اقتصاد، محروم بوده است. در واقع به دلیل اثرگذاری و اثرپذیری بخش‌های اقتصادی از یکدیگر، ناکارایی‌های ناشی از مشکلات ساختاری هریک از بخش‌ها، عملکرد بخش پولی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. عدم تعادل‌های بودجه‌ای دولت، عملیات شبه بودجه‌ای، تخصیص غیر بهینه منابع به همراه سهمیه‌بندی اعتباری، تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی، نرخ ارز تقویت شده، مداخلات دولت در زمینه تعیین نرخ سود و تحمیل تسهیلات تکلیفی به سیستم بانکی از جمله مواردی است که بخش پولی اقتصاد را از انجام وظایف محوله براساس قانون پولی و بانکی کشور طی دو دهه جاری بازداشته است.

بازار سرمایه کنونی ایران نیز در چارچوب بورس اوراق بهادار تهران و مجموعه قانونی و مقرراتی ناظر بر تاسیس و اداره آن مجموعه کوچکی را در برمی‌گیرد که نقش آن در فرآیند توسعه اقتصادی کشور بسیار ناچیز بوده است.

بررسی‌های موجود از عملکرد مالی بانک‌های تجاری و تخصصی نشان می‌دهد که بانک‌های کشور از نظر مالی در وضعیت ضعیفی قراردارند. سه ویژگی عمده بانک‌های کشور طی دو دهه اخیر را می‌توان تقلیل مستمر سهم حساب سرمایه در ترازنامه بانک‌ها، ساختار هزینه‌های عملیاتی نسبتاً غیرکارآمد و ذخیره‌گیری ناکافی نسبت به وام‌های معوقه و سوخت‌شده ذکر نمود.

بانک‌های کشور در واقع تا حدود زیادی انگیزه‌های سود را از دست داده‌اند و به دلیل مداخلات دولت و تسهیلات تکلیفی و ترجیحی، در زمینه سیاست‌های اعتباری دچار اختلال شده‌اند. جهت اصلاح وضع موجود، مسئولین اقتصادی باید نسبت به تدوین یک استراتژی جامع برای تجدید ساختار بانکی اقدام کنند. برای گسترش این استراتژی، در بدو امر باید انواع انتخاب‌های ممکن تجزیه و تحلیل شده، محورهای کلان اقتصاد مورد توجه قرار گرفته، موقعیت‌های سازمانی و مخصوصاً محدودیت‌های بودجه دولت و برقراری توازن میان دو جنبه کمک مستقیم به بانک‌ها از طریق تزریق سرمایه و یا کمک غیرمستقیم به وسیله سایر ابزارها مدنظر قرار گیرند. پس از آن مسئولین باید به امکانات مربوط به منابع انسانی و مالی نیز توجه نمایند، زیرا منابع انسانی و محدودیت‌های اجتماعی، سیاسی و قانونی، ساختارهای سازمانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۳-۱- مطالبات معوق و سرسید گذشته

اولین گام اساسی شفاف نمودن صورت‌های مالی و خارج کردن دارائی‌های زیان دیده از دفاتر بانک‌ها می‌باشد. بررسی میزان مطالبات سرسید گذشته و معوق بانک‌ها از بخش‌های دولتی و غیردولتی از جمله این اقدامات محسوب می‌شوند. طبقه‌بندی وام‌ها و ذخایر براساس استانداردهای بین‌المللی و کنترل وثایق نیز در این بررسی‌ها باید مدنظر قرار گیرند. طبقه‌بندی و مدیریت انواع وام‌ها و تسهیلات بانکی در جریان تجدید ساختار، می‌تواند به صورت ذیل مطرح شود:

- اعتبارات مطمئن از نظر بازگشت به بانک

دربرگیرنده کلیه اعتبارات، پیش پرداخت‌ها و تنزیل‌هایی هستند که در چارچوب سیاست‌های عادی و دستورالعمل‌های اجرایی بانک قرار دارند و در قبال وثایق مطمئن اعطا گردیده‌اند.

- اعتبارات نیازمند نظارت خاص

شامل تسهیلاتی هستند که از نظر وثایق و توافقات میان بانک و مشتری قابل بازگشت به‌نظر می‌رسند. لیکن اگر نوساناتی در وضع بازار رخ دهد، می‌تواند در وضع مالی مشتری تأثیر بگذارد.

- اعتبارات زیر استاندارد

اعتباراتی هستند که طبق توافق اولیه اعطا شده‌اند، لیکن وجود مغایرت‌هایی میان نوع و ساختار تسهیلات و سیاست‌های جاری بانک باعث ایجاد احتمال در عدم بازگشت آن‌ها می‌شود. مانند عدم اجرای صحیح قرارداد یا اجرای ناقص آن.

- اعتبارات مشکوک الوصول

شامل تسهیلاتی است که گیرنده آن در سررسید برای بازگشت اصل و سود قصور قابل توجهی انجام داده است. گذشته از قصور وام‌گیرنده، کاهش ارزش وثیقه نزد بانک جهت پوشش اصل و سود نیز احتمال دریافت تسهیلات توسط بانک را کاهش می‌دهد.

- اعتبارات سوخت شده (زیان)

دربرگیرنده تسهیلاتی هستند که احتمال وصول آن‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و این گروه از دارائی‌ها ارزش ثبت و نگهداری در ترازنامه بانک را ندارند و باید به عنوان زیان تلقی گردند.

پس از طبقه‌بندی وام‌ها و اعتبارات، باید نوع ذخیره‌گیری عام و خاص نیز مورد بررسی قرار گیرند. ذخیره عمومی باید معادل درصدی از تسهیلات جاری باشد که به نظر می‌رسد بخشی از آن‌ها در بازگشت به بانک با مشکل روبرو خواهد شد. این گروه از ذخایر طبق مقررات کمیته بال، هنگام محاسبه کفایت سرمایه، جزء سرمایه منظور می‌شوند. ذخیره خاص در مورد اعتبارات گروه سوم، چهارم و پنجم یعنی گروه زیر استاندارد، مشکوک الوصول و سوخت‌شده‌ای ایجاد می‌شود که ارزش وثیقه آن‌ها از پوشش کافی برخوردار نمی‌باشد. ذخیره خاص برای مطالبات سوخت‌شده معادل صددرصد بوده و برای اعتبارات زیراستاندارد و مطالبات مشکوک‌الوصول حدود درصدی از آن‌ها است.

یکی از دلایل عمده وجود مطالبات معوق قدیم بانک‌ها، مصادره و ملی شدن واحدهای تولیدی و صنعتی و همچنین ادغام بانک‌ها در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی بود. براین اساس ضروری است بحث در زمینه تعیین وضعیت بدهی‌های معوقه واحدهای مصادره شده و بدهکاران بانک‌های خصوصی قبل از انقلاب که تحت پوشش ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی قرار گرفته‌اند در بالاترین سطوح اجرایی کشور صورت پذیرد و تصمیمات نهایی در زمینه نحوه بازپرداخت مطالبات بانک‌ها اتخاذ گردد تا به این وسیله سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی بنا بر الزامات قانونی موظف به بازپرداخت بدهی‌ها شوند. در این ارتباط راه‌حل‌های زیر می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد:

- تبدیل مطالبات بانک‌ها از واحدهای تحت پوشش سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی به سرمایه و مشارکت‌دادن بانک‌ها درمورد واحدهایی که از سوددهی برخوردار هستند.
- بازپرداخت اصل بدهی‌های مورد توافق بانک و سازمان‌ها از سوی سازمان‌های بدهکار.
- مذاکره در مورد نحوه بازپرداخت و میزان سود، کارمزد و جریمه متعلقه.
- تخفیف و تقسیط در مورد اصل و فرع بدهی‌ها به‌منظور تسریع در وصول مطالبات به‌نحوی که واحدهای مذکور قادر به بازپرداخت بدهی خود باشند.
- بررسی‌های به عمل آمده نمایان‌گر آن است که مدیریت صحیح منابع و مصارف بانک‌ها می‌تواند به مقدار قابل توجهی از آثار زیان‌بار مطالبات معوق بکاهد. مسدودشدن بخشی از منابع جذب شده بانک‌ها که در واقع سپرده‌های مردم نزد آن‌ها می‌باشد، می‌تواند موجبات ضرر و زیان بانک‌ها را فراهم نماید. به‌عبارت دیگر، پرداخت سودهای تضمین شده و قطعی به سپرده‌گذاران و عدم وصول سود معاملات پیش‌بینی شده و ایجاد مطالبات معوق (با توجه به رشد سود سپرده‌ها و

ثابت ماندن سود تسهیلات به ویژه تسهیلات بلند مدت) باعث کاهش سودآوری بانک می‌شود.

در سال ۱۳۸۲ مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها نسبت به سال قبل از آن ۲۸ درصد افزایش یافت که در مقایسه با سال گذشته کاهش داشته است. سهم مطالبات سررسید گذشته و معوق بخش غیردولتی در کل مطالبات از این بخش ۶/۶ درصد می‌باشد که نسبت به سال ۱۳۸۱ افزایش داشته است. این سهم در بانک‌های تجاری و تخصصی نیز با افزایش روبرو بوده است.

جدول (۱): مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها درصد

سهم در کل مطالبات بانک‌ها از بخش غیردولتی				درصد تغییر				
۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	بانک‌های
۶/۲	۵/۶	۵/۱	۴/۹	۴۴/۴	۴۸/۸	۴۲/۸	۲۴/۴	تجاری
۸/۱	۷/۹	۹/۱	۷/۳	-۰/۱۴	۱۱/۱	۵۹/۴	۵۱/۸	بانک‌های تخصصی
۶/۶	۶/۲	۶/۳	۵/۶	۲۸/۰	۳۲/۴	۴۹/۵	۳۴/۳	کل بانک‌ها

این رشد قابل ملاحظه تنها در برگیرنده مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها از بخش غیردولتی بوده و بدهی بخش دولتی به نظام بانکی در آن ملحوظ نگردیده است. وجود مطالبات معوق باعث می‌شود تا امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اعتباری دقیق برای مسئولین اقتصادی فراهم نشده و ضمناً باعث کندی در تصمیم‌گیری و بی‌نظمی در برنامه‌ریزی اعتباری بانک‌ها نیز می‌شود. این امر باعث کاهش درآمد ملی و نهایتاً درآمد سرانه و افزایش قیمت‌ها و رشد تورم در جامعه می‌گردد زیرا وجود منابع مالی بلااستفاده در بانک‌ها یا عدم بازگشت اعتبارات به بانک‌ها باعث کاهش قدرت وام‌دهی شده، کاهش تولید ناخالص ملی و نهایتاً کاهش درآمد ملی را به دنبال خواهد داشت. لذا تدوین راه‌های جلوگیری از ایجاد مطالبات معوق جدید در خط

مشی آینده بانک‌های خصوصی می‌تواند به میزان قابل توجهی از آثار زیانبار مطالبات معوق بکاهد.

۳-۲- راه‌های جلوگیری از افزایش مطالبات معوق در بانک‌ها

پس از تسویه بدهی‌های فعلی و شفاف‌سازی صورت‌های مالی، راه‌های جلوگیری از افزایش مطالبات معوق باید به صورت دستورالعمل جدید به بانک‌ها ابلاغ شود. یکی از این راه‌ها دستورالعمل رتبه‌بندی داخلی تسهیلات اعطایی است. در این رابطه باید ابتدا انواع تسهیلات مشخص گردیده و سپس نحوه تعیین سررسید می‌تواند براساس نسبت کفایت سرمایه صورت گیرد.

وام‌های مسأله دار را می‌توان در یکی از سه گروه زیر براساس عواملی از قبیل توانایی بازپرداخت وام گیرنده، منابع مالی و قدرت نهایی وصول وام‌ها، طبقه‌بندی نمود:

گروه L^۱: این نوع تسهیلات غیرقابل وصول تلقی می‌شود زیرا تسهیلات گیرنده توانایی و تصمیم بازپرداخت آن را ندارد.

گروه D^۲: وصول این گروه از تسهیلات در مجموع مشکل است زیرا تسهیلات گیرنده با مشکلات مالی دست به گریبان می‌باشد.

گروه S^۳: وام‌هایی که از نقطه نظر نقدینگی ضعیفند (یا غیرنقد هستند، یا سررسید گذشته و یا پس از گذشتن سررسید، زمان بندی مجدد شده‌اند) و همچنین وام‌هایی که از طریق کاهش نرخ سود در زمان شناوری، باعث کاهش سودآوری می‌شوند و یا منابع برای اهداف نامناسب به کار گرفته شده‌اند، همگی در این گروه طبقه‌بندی می‌شوند. گرچه از نقطه نظر قابلیت وصول این وام‌ها نگرانی وجود ندارد.

پس از رتبه بندی تسهیلات مسأله دار، سررسید این تسهیلات براساس نسبت کفایت سرمایه هر بانک یا مؤسسه مالی می‌تواند تعیین شود.

¹ loss

² doubtful

³ substandard

- نسبت کفایت سرمایه پایین‌تر از حد استاندارد:

گروه S با سررسید ۱۲ ماه

گروه D با سررسید ۱۸ ماه

گروه L با سررسید ۲۴ ماه

- نسبت کفایت سرمایه بین ۸ الی ۹ درصد:

گروه S با سررسید ۶ ماه

گروه D با سررسید ۱۲ ماه

گروه L با سررسید ۱۸ ماه

- نسبت کفایت سرمایه بین ۹ الی ۱۱ درصد:

گروه S با سررسید ۳ ماه

گروه D با سررسید ۶ ماه

گروه L با سررسید ۱۲ ماه

- نسبت کفایت سرمایه بیشتر از ۱۱ درصد:

گروه S با سررسید ۱ ماه

گروه D با سررسید ۳ ماه

گروه L با سررسید ۶ ماه

با توجه به موارد ذکر شده مشخص می‌شود که بالا بودن نسبت کفایت سرمایه هر بانک می‌تواند بانک را در رویارویی با انواع ریسک‌ها، از جمله ریسک اعتبار یاری دهد؛ بنابراین انطباق بانک با مهم‌ترین معیار کمیته بال یعنی دستیابی به حد استاندارد کفایت سرمایه از ضروریات به شمار می‌رود.

۳-۳- بررسی برخی از نسبت‌ها در صورت‌های مالی بانک‌ها

- نسبت حقوق صاحبان سهام به دارائی‌ها

حقوق صاحبان سهام عبارت است از سهام عادی یک بانک به اضافه سود انباشته. افزایش صورت این کسر نشان دهنده آن است که بانک مذکور در طول دوره مورد بررسی در زمینه کسب سود موفق بوده و یا از افزایش سرمایه برخوردار گردیده است. بررسی این نسبت در جدول ضمیمه نشان می‌دهد که علی‌رغم افزایش سرمایه بانک‌ها در ۳ سال اول برنامه سوم توسعه فقط دو بانک A و B^۱ از نسبت‌های تقریباً بالای ۵۲/۴ و ۴۰/۶ درصد در سال‌های ۱۳۸۰-۸۱ برخوردار شده‌اند. این نسبت ضمناً به عبارتی نشان دهنده توانایی بانک در ایفای تعهدات خود می‌باشد که متأسفانه از درصدهای پایینی در نظام بانکی ایران برخوردار می‌باشد. برای بهبود این نسبت، افزایش مجدد پایه سرمایه بانک‌ها^۲ یا بررسی و یافتن راه‌های افزایش سودآوری بانک‌ها باید مدنظر قرار گیرد.

- نسبت دارائی‌های سودآور به کل دارائی‌ها

بررسی این نسبت نشان می‌دهد اکثر بانک‌های ایران در دوره مورد بررسی از میزان بالای دارائی‌های سودآور برخوردار بوده‌اند. لیکن وجود تسهیلات تکلیفی، بخش‌نامه‌های اداری و دولتی بودن بانک‌ها سبب شده است تا وجود این دارائی‌ها تأثیر چندانی در افزایش سود بانک‌ها نداشته باشد.

- نسبت تسهیلات و مشارکت‌ها به دارائی‌ها

حاصل این نسبت نیز در اکثر بانک‌های ایران تقریباً بالا می‌باشد و نشان‌دهنده بالا بودن میزان تسهیلات اعطایی در مجموعه دارائی‌ها است.

- نسبت تسهیلات و مشارکت‌ها به سپرده‌ها

این نسبت در اکثر بانک‌های ایران بسیار بالا بوده و نمایان‌گر آن است که در بانک‌ها امر تخصیص منابع بالاتر از امر تجهیز منابع است. بیشترین نسبت در سال ۱۳۸۰ برابر ۳۲۰ درصد و

^۱ در گزارش حاضر بجای اسامی بانک‌ها تجاری و تخصصی در نظام بانکی ایران، از حروف A, B, C... استفاده شده است.
^۲ بر اساس قانون برنامه چهارم توسعه، سرمایه بانک‌ها پس از تسویه مبلغ ۵۰۰۰ میلیارد ریال (موضوع ماده ۹۳ قانون برنامه سوم توسعه) مجدداً افزایش خواهد یافت.

در سال ۱۳۸۱ بزابر ۲۳۳ درصد بوده است. به عبارت دیگر، بانک A در سال ۱۳۸۱، ۲۰۰ برابر میزان سپرده‌ها، تسهیلات اعطا نموده است.

- نسبت درآمد کل به دارائی‌ها

حاصل این نسبت در بانک‌های ایران بسیار پایین می‌باشد (بالاترین نسبت برابر ۱۱ درصد در سال ۱۳۸۱) علی‌رغم اینکه نسبت دارائی‌های سودآور به کل دارائی‌ها در حد بالای ۹۵ درصد می‌باشد، لیکن پایین بودن نسبت درآمد کل به کل دارائی‌ها نمایان‌گر آن است اولاً وجود دارائی‌های سودآور درآمد بالایی برای بانک‌ها به همراه نداشته، ثانیاً عوامل کاهش سودآوری بانک‌ها کماکان به قوت خود باقی مانده‌اند.

۳-۴- مقایسه سهم هزینه‌ها و درآمدهای بانک‌ها در شبکه

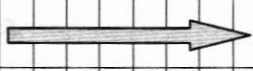
جدول (۳) نشان می‌دهد هزینه‌های پرسنلی و عملیاتی بانک‌ها در سال‌های ۸۱-۱۳۸۰ تقریباً برابر می‌باشد. بالاترین نسبت حدود ۳۰ درصد و پایین‌ترین نسبت برابر ۰/۱ درصد از کل شبکه را به خود اختصاص داده است. بالاترین سهم درآمد عملیاتی نیز متعلق به بانک A با نسبتی برابر ۲۶ درصد می‌باشد. سهم درآمد کل نیز تقریباً در حد سهم درآمد عملیاتی حاصل گردیده است.

جدول (۲): مقایسه برخی نسبت‌های مهم بانک‌ها سال‌های ۸۱-۱۳۸۰ (درصد)

ردیف	حقوق صاحبان سهام		دارائی‌های سودآور		تسهیلات و مشارکت‌ها		تسهیلات و مشارکت‌ها		درآمد کل	
	سال	دارائی‌ها	دارائی‌ها	دارائی‌ها	سپرده‌ها	دارائی‌ها	سپرده‌ها	دارائی‌ها	دارائی‌ها	
۱	سال	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۰	
A	بیشترین	۵۲/۴	۴۰/۶	۹۵/۶	۹۵/۹	۸۵/۵	۸۷/۷	۳۱۹/۹	۲۳۳/۷	
B		۳۸/۵	۳۴/۶	۹۵/۶	۹۵/۳	۸۰/۷	۷۸/۰	۱۷۹/۳	۱۶۸/۷	
C		۸/۱	۶/۸	۹۱/۵	۹۴/۱	۷۰/۵	۶۶/۰	۱۶۱/۲	۱۴۸/۰	
D		۷/۱	۶/۷	۹۱/۳	۹۲/۸	۶۹/۰	۶۵/۸	۱۰۴/۶	۱۰۷/۳	
E		۴/۳	۶/۶	۸۹/۸	۹۲/۰	۶۶/۷	۶۲/۵	۹۶/۴	۹۵/۰	
F		۴/۳	۶/۲	۸۹/۳	۸۸/۸	۶۵/۰	۵۹/۸	۷۹/۹	۸۹/۰	
G		۳/۴	۴/۹	۸۸/۲	۸۳/۸	۶۱/۶	۵۸/۵	۷۱/۵	۷۸/۸	
H		۳/۲	۴/۲	۸۵/۳	۸۲/۲	۶۰/۳	۵۸/۴	۶۹/۳	۷۶/۵	
I		۲/۲	۳/۲	۸۴/۵	۷۳/۵	۵۷/۱	۴۷/۶	۶۸/۱	۶۶/۶	
J	کمترین	۲/۱	۲/۴	۸۳/۲	۶۵/۲	۵۱/۱	۴۵/۷	۶۵/۶	۶۴/۶	

جدول (۳): مقایسه برخی نسبت‌های مهم بانک‌ها سال‌های ۸۱-۱۳۸۰

	درآمد کل		هزینه کل		درآمد عملیاتی		هزینه عملیاتی		هزینه پرسنلی		بانک
	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۸۱	
۳۳/۲	۳۰/۴	۲۶/۸	۲۷/۹	۲۷/۹	۲۷/۶	۲۸/۲	۳۲/۱	۳۲/۱	۳۲/۱	۳۰/۸	A
۱۳/۱	۱۰/۵	۱۴/۷	۱۴/۲	۱۴/۹	۱۴/۳	۱۵/۶	۱۵/۰	۱۴/۷	۱۴/۷	۱۵/۰	B
۱۳/۸	۱۰/۵	۱۳/۶	۱۳/۴	۱۳/۹	۱۳/۹	۱۳/۴	۱۳/۹	۱۳/۹	۱۴/۵	۱۵/۰	C
۱۳/۰	۸/۲	۱۱/۷	۱۱/۱	۱۱/۵	۱۱/۴	۱۱/۹	۱۱/۸	۱۱/۸	۱۲/۰	۱۱/۰	D
۱۳/۰	۸/۰	۹/۶	۹/۳	۹/۳	۹/۸	۱۰/۳	۸/۵	۸/۵	۱۰/۷	۱۰/۳	E
۱۰/۴	۷/۸	۹/۱	۸/۷	۸/۵	۸/۹	۸/۵	۸/۵	۸/۵	۷/۴	۶/۶	F
۶/۲	۷/۲	۸/۶	۸/۴	۷/۲	۸/۴	۸/۲	۷/۶	۷/۶	۵/۷	۵/۴	G
۴/۲	۶/۶	۴/۲	۴/۲	۳/۹	۴/۱	۳/۵	۲/۳	۲/۳	۴/۵	۴/۸	H
۳/۴	۶/۶	۷/۷	۷/۷	۰/۶	۷/۲	۷/۰	۰/۲	۰/۲	۰/۷	۰/۸	I
۷/۷	۴/۴	۷/۱	۷/۱	۰/۴	۰/۴	۰/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۵	۰/۵	J
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	شبکه (درصد)
۵۰۵۵۳۹	۲۵۲۹۲۳	۳۳۳۶۱۵۰	۷۸۳۰۶۸۷	۳۳۳۰۵۸۱	۱۶۳۰۹۶۵	۳۲۰۳۷۶۶	۱۴۳۷۹۰۴	۸۶۹۷۳۹	۶۶۶۶۶۸	۶۶۶۶۶۸	(میلیون ریال)



منبع: شورای عالی بانک‌ها

۳-۵- بررسی خطرات ورشکستگی

از دیگر وظایف مدیر دارائی‌ها بررسی مسائلی است که بانک را از خطر ورشکستگی مصون نگاه می‌دارد. ضرورت ایجاد یک چارچوب جهت مقابله با خطر ورشکستگی، برخی از سازمان‌های بین‌المللی را بر آن داشت تا نسبت به طراحی چارچوب^۱ مورد نظر اقدام نمایند. اهداف عمده این برنامه به شرح ذیل می‌باشد.

- طراحی و تعریف یک برنامه قانونی، نهادی و مقرراتی برای شناسایی ناتوانی بانک در ایفای تعهدات

- ارایه دستورالعمل برای ارزیابی نظام بانکی در زمینه ایفای تعهدات

- ارائه کمک‌های فنی و مشورتی از سوی سازمان‌های بین‌المللی در زمینه ایفای تعهدات بانکی.

لازم به ذکر است بررسی مراحل ورشکستگی بانکی و اعطای کمک به بانک‌های ناتوان یا ورشکسته، وظیفه نهاد نظارتی (بانک مرکزی) هر کشور است، بنابراین اهدافی از قبیل حفظ ثبات سیستم مالی (بوسیله ایجاد سیستم مناسب پرداخت‌ها) دنبال می‌گردد. حفظ منافع سپرده‌گذاران و بهینه‌سازی عملکرد واسطه‌گری مالی نیز از جمله این اهداف به شمار می‌آیند.

هر نهاد نظارتی پس از مشاهده اولین علائم ورشکستگی باید سه مرحله را به ترتیب

ذیل بررسی نماید:

اول: ناتوانی بانک در ایفای تعهدات^۲

شروع این مرحله با کاهش درآمد خالص بانک به زیر حد استاندارد همراه است. در این مرحله معیار ناتوانی هنوز به ارقام ترازنامه نرسیده است، و تنها عملکرد مدیریت بانک مورد کنترل نهاد نظارتی قرار می‌گیرد. اعمال کنترل مورد نظر برای تشخیص ورود به مرحله تجدید ساختار بانک ضروری است.

دوم: تجدید ساختار و احیای بانک برای ادامه حیات یک بانک ناتوان که در مرحله قبل از ورشکستگی قرار دارد، ساختار مالی و عملکردی بانک مذکور باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

^۱ global bank insolvency initiative (GBII)

^۲ bank insolvency

این تجدید ساختار می‌تواند در مرحله اول فقط به عنوان حفظ بقای بانک مدنظر قرار گیرد. ادغام چند بانک ناتوان برای حفظ فعالیت‌های اقتصادی نیز در این مرحله می‌تواند صورت پذیرد. هدف اصلی از اجرای این مرحله ادامه فعالیت‌های بانک به صورت یک مجموعه کلی یا یک بخش جزئی می‌باشد. کلیه این تدابیر باید در قانون پولی و بانکی به شرح ذیل پیش‌بینی و مندرج شده باشد:

- محدود نمودن مخاطره اخلاقی

- پذیرش حداقل هزینه تجدید ساختار

- تأمین منافع سپرده‌گذاران

- تجدید ساختار مالی و عملکرد

- حفظ شرایط رقابتی

گذشته از موارد فوق‌الذکر، قانون ورشکستگی باید انعطاف لازم را در مورد برخورد با سایر موارد داشته باشد، مانند ورشکستگی بانکی که از بحران سیستماتیک ناشی شده و اثرات مخربی روی سیستم مالی برجای می‌گذارد. چنانچه این نوع ورشکستگی بانکی اثری جدی روی سیستم مالی برجای گذارد، مقامات نظارتی باید تدبیری اساسی برای کاهش هرگونه ریسک سیستماتیک به کار گیرند.

هنگامی که یک بانک در مرحله قبل از ورشکستگی قرار می‌گیرد، از روش‌های متعددی می‌توان برای تجدید ساختار استفاده نمود، روش‌هایی مانند ادغام یا مجزا نمودن بانک‌های خوب از بانک‌های بد. حال چنانچه یک بانک بزرگ در اثر بحران سیستمیک با مشکل ورشکستگی روبرو شود، ملی‌کردن موقتی آن به عنوان آخرین راه حل پیشنهاد می‌گردد. استفاده از وجوه عمومی جهت تجدید ساختار و پایدار نمودن یک بانک ناتوان نیز راه حل مناسبی به شمار می‌آید؛ زیرا می‌تواند برای خرید دارائی‌های بد (انتقال مطالبات معوق به خارج از صورت‌های مالی بانک) به کار رود.

سوم- ورشکستگی^۱

ورشکستگی بانکی هنگامی نمایان می‌شود که بانک یا بانک‌های مورد بررسی حتی با وجود تجدید ساختار و اقدامات احیاء‌کننده قادر به فعالیت نمی‌باشند. از بدو شروع اقدامات ورشکستگی تا پایان آن، بانک مورد نظر باید به‌عنوان یک شخص حقوقی به قوت خود باقی بماند و کلیه مراحل ورشکستگی باید در قوانین پولی و بانکی نیز پیش‌بینی شده باشد. قانون ورشکستگی باید کلیه موارد ذیل را در بر گیرد:

- اعلام ورشکستگی یک بانک به صورت قانونی

- اتمام فعالیت‌های بانکی

- واگذاری انجام مراحل ورشکستگی به یک مقام (نهاد) قانونی.

گذشته از موارد فوق‌الذکر، ارزش دارائی‌های خوب بانک باید حفظ شده و از دسترسی سریع طلب‌کاران بانک به‌دور نگاهداشته شوند تا در زمان مناسب نسبت به انتقال آن‌ها اقدام مقتضی به‌عمل آید. در این میان منافع سپرده‌گذاران نیز باید حفظ شده و دارائی‌های بانک باید براساس اولویت میان سپرده‌گذاران و سایر گروه طلبکاران تقسیم شود. مدیر دارائی‌ها با انجام مدیریت صحیح دارائی‌ها و بدهی‌ها می‌تواند در انجام هر یک از مراحل سه‌گانه فوق‌الذکر نظارتی قوی و مستمر اعمال نماید. (در نمودار (۱)، مراحل ارزیابی ورشکستگی بانکی ترسیم شده است).

^۱ bank liquidation

نهایتاً مقرر شد موضوع در هیأت دولت مطرح شود.

د - بررسی در تیرماه ۱۳۴۶

تعقیب مسئولین بانک

تعهد صاحبان سهام فعلی به پرداخت ۵۰ درصد مبلغ سهام فعلی

ه - بررسی در اسفند ۱۳۵۱

بانک مرکزی اداره امور بانک اصناف را برعهده گرفته و بانک جریان عادی خود را طی می‌نماید. در این رابطه مقرر گردید، مبلغ ده میلیون ریال برای تأمین هزینه‌های سرپرستی، حسابرسی و بهبود روش‌های اداری و مالی بانک تخصیص یابد.

و - بررسی در آذر ۱۳۵۲

در وضعیت فعلی بانک کمبود سرمایه کاملاً مشخص می‌باشد. به طوری که تصمیم گرفتند یکی از بانک‌های پاکستانی را برای مشارکت در سرمایه بانک دعوت نمایند تا افزایش سرمایه صورت پذیرد.

ز - بررسی در آذر ۱۳۵۲

مشکلات بانک اصناف در حال کاهش می‌باشد (به دلیل سرپرستی و نظارت بانک مرکزی).

ح - بررسی در بهمن ۱۳۵۲

با ملی شدن بانک‌ها در پاکستان موضوع مشارکت بانک اصناف با بانک‌های آن کشور منتفی گردید و این بانک با کمک‌های بانک مرکزی با نام بانک ایران‌شهر تا قبل از انقلاب به فعالیت ادامه داد.

۴-۲- بانک بیمه بازرگانان

بانک مذکور به دلیل داشتن مشکلات نقدینگی در معرض کمک‌های بانک مرکزی قرار گرفت لیکن به دلیل تخلفات قانونی و عدم رعایت مقررات و موازین بانکی از سوی مدیر عامل این بانک این کمک‌ها سودی نداشت و بانک مذکور منحل گردید. (سال‌های ۵۳-۱۳۵۱) سوء ارائه حساب‌ها و ضعف مدیریت بانک در حد بالایی بوده است.

۵- نتیجه‌گیری

مدیریت دارائیه‌ها عبارت است از مدیریت موثر ترازنامه یک موسسه مالی با هدف دستیابی به رشد مستمر در درآمد خالص و کنترل ریسکها. بنابراین وظایف مدیر دارائیه‌ها و مدیر ریسک چندان قابل تفکیک از یکدیگر نبوده و در اکثر بانکهای بزرگ و پیچیده دنیا مدیر ریسک، وظایف مدیر دارائیه‌ها را نیز برعهده دارد.

یک مدیر دارایی برای شناسایی و مقابله با انواع ریسکها باید کنترل روزانه ترازنامه بانک را جزء وظایف خود قلمداد نموده و در صورت مشاهده تنزل در کیفیت ارقام دارائیه‌ها و بدهیهایی که مستقیماً به بروز ریسکهای مختلف منجر می‌شوند اقدام ضروری را به عمل آورد. در این رابطه محاسبه یکسری نسبت‌ها مدیر دارائیه‌ها را قادر می‌سازد تا قبل از وقوع زیان یا ریسکهای مختلف در مورد رفع مشکلات چاره‌اندیشی نماید. این نسبت‌ها به سه گروه تقسیم می‌شوند:

نسبت‌های کیفیت دارائیه‌ها، نسبت‌های عملکرد، نسبت‌های ترازنامه

محاسبه این نسبت‌ها انجام مراحل ذیل را برای مدیر دارائیه‌ها امکان‌پذیر می‌نماید:

— کنترل کیفیت پرتفوی و تعریف و شناسایی ریسک اعتباری

— تخمین میزان ذخیره‌ها و تخصیص سرمایه

— ارزیابی کفایت نقدینگی بانک

اقدام دارائی‌ها در ترازنامه هر بانک بصورت متنوعی می‌باشند، لیکن در میان آن‌ها بررسی مطالبات معوق و سررسید گذشته از اهمیت خاصی برخوردار است. مدیر دارائی‌ها باید با توجه به تاریخ و زمان سررسید این گروه از دارائی‌ها، آن‌ها را طبقه‌بندی نموده و با توجه به اعتبار مشتریان، بازگشت این منابع به بانک را دنبال نماید.

از دیگر وظایف مدیر دارائی‌ها توجه به معیارهایی است که کیفیت عملیات بانک را بهبود می‌بخشند. این معیارها در مجموعه‌ای تحت عنوان TRICK جمع‌آوری گردیده و از اجزاء ذیل تشکیل می‌شوند:

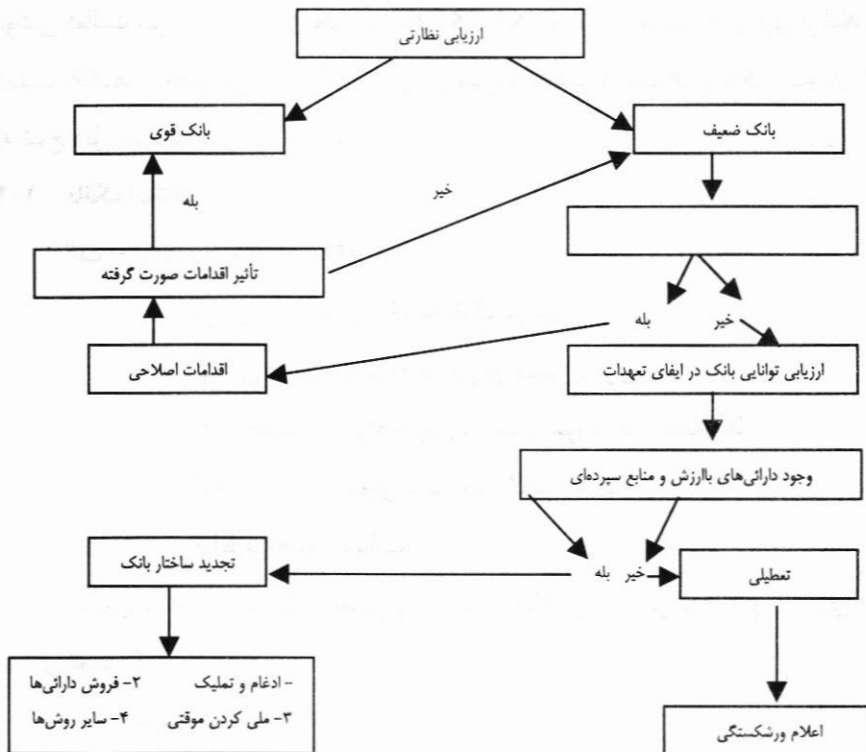
شفافیت، در معرض ریسک قرار گرفتن، کیفیت اطلاعات، رقابت، کفایت سرمایه.

یکی از وظایف مهم مدیر دارائی‌ها بررسی مسائلی است که بانک را از خطر ورشکستگی مصون نگاه می‌دارد. ضرورت ایجاد یک چارچوب جهت مقابله با خطر ورشکستگی، برخی از سازمان‌های بین‌المللی را بر آن داشت تا نسبت به طراحی چارچوب مورد نظر اقدام نمایند.

منابع و مأخذ

- *Asset Management Company: Ratio Analysis 2000.*
- *Arab Banking Corporation: Annual Report, 2002.*
- *Basle Committee: Core Principles for Effective Banking Supervision, 1997.*
- *International Monetary Fund: MFPT Code, 1999.*

نمودار (۱): مراحل ارزیابی ورشکستگی بانکی



۴- بررسی ورشکستگی در نظام بانکی ایران

ترتیب انحلال و ورشکستگی بانک‌ها در مواد ۳۹ الی ۴۱ قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ پیش‌بینی شده است. به موجب ماده ۳۹ این قانون، چنان‌چه بانکی در مسیر ورشکستگی قرار گیرد، بنابه پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تأیید شورای پول و اعتبار و تصویب هیأتی مرکب از رئیس جمهور (یا معاون وی)، وزیر امور اقتصادی و دارائی و وزیر دادگستری، اداره امور بانک به عهده بانک مرکزی واگذار می‌شود یا ترتیب دیگری برای اداره بانک داده شده یا اجازه تأسیس بانک لغو می‌گردد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بانک‌های ایران ملی اعلام شدند و نظام بانکداری دولتی فعالیت خود را آغاز نمود. تجربه ورشکستگی بانکی در ایران به سال‌های قبل از انقلاب و فعالیت بانک‌های خصوصی باز می‌گردد و در این میان تجربه بانک اصناف و بانک بیمه بازرگانان به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱- بانک اصناف^۱

الف - بررسی در مهرماه ۱۳۴۱

افزایش بدهی‌های بانک به بانک مرکزی
 کوتاهی در توزیع سپرده قانونی در بانک مرکزی
 عدم تخصیص سپرده قانونی نسبت به سپرده ضمانت‌نامه‌ها
 افزایش مطالبات معوق و سررسید گذشته بانک
 افراط در صدور ضمانت‌نامه
 برای پرداخت مطالبات معوق بانک به طلبکاران مقرر گردید ناظری از سوی بانک مرکزی تعیین گردد.

ب - بررسی در مرداد ۱۳۴۳

پرداخت ده میلیون ریال از سوی بانک مرکزی به بانک اصناف در برابر تنزیل مجدد اوراق تجارتي

ج - بررسی در آبان ۱۳۴۴

ارائه یکی از ۳ روش ذیل:

بانک اصناف وضع فعلی خود را که قادر به پاسخ‌گویی به سپرده‌گذاران نیست، ادامه دهد.

بانک اصناف در بانک ملی ادغام شود.

بانک ورشکسته اعلام شود و ترتیب پرداخت وجوه مردم به‌نحوی داده شود.

^۱ از صورت جلسات شورای پول و اعتبار سال‌های قبل از انقلاب استخراج گردیده است.